تازه عروس به دادگاه خانواده تهران پناه برد

سفر بی‌بازگشت تازه‌داماد به آلمان!

PDF Compressor Free Version



گروه حوادث: نوعروس جوان که هیچ گاه قصد زندگی در خارج از کشور را نداشت وقتی با پسر جوان که مقیم آلمان است ازدواج کرد فکر نمی کرد خیلی زود طلاق بخواهد.

داماد پس از آخرین سفر کاری به آلمان دیگر به ایران برنگشت و زندگی در آنجا را به با زندگی با او ترجیح می دهد.

دادگاه خانواده

در میان هیاهوی راه پله ها و راهروی دادگاه خانواده که لبخند و اشک را می توان در چهره بعضی از زنان و مردانی که برای جدایی به دادگاه آمده بودند دید بعضی ها روی صندلی نشسته بودند و در چهره شان ناامیدی یا انتظار نمایان است.

در ساختمان دادگاه خانواده شماره یک واقع در ونک بعضی اوقات صدای درگیری زوج های جوان و میانسال شنیده می شد اما یک زن جوان که روی صندلی نشسته بود با دیگر مراجعه کنندگان به دادگاه خانواده فرق می کند.

این زن نگاه و تفکر عجیبی داشت و بیشتر به دیوار مقابلش خیره می شد و گاهی به آرامی و در حالیکه نمی خواست کسی متوجه بغض گلویش شود اشک روی گونه هایش جاری می شد.

سکوت زنانه شکست

منیژه ابتدا سکوت کرد اما پس از لحظاتی خواست تا با بازگو کردن سرنوشت زندگی اش تجربه ای در اختیار دیگران قرار دهد تا دختر دیگری مثل او برای رهایی به سراغ تنها در بازی که پیش رویش قرار دارد مراجعه نکند.

مسافری از آلمان

زن جوان که به آرامی اشک می ریخت درباره سرنوشت زندگی اش گفت: سال گذشته بود که به طور خیلی اتفاقی با جوان شیک پوشی که حسین نام داشت آشنا شدم و پس از مدتی متوجه شدم که این جوان اقامت کشور آلمان را دارد و به خاطر کارش بیشتر در آنجا زندگی می کند.

بعد از مدت کوتاهی که همدیگر را شناختیم خیلی زود به هم علاقه مند شدیم و حسین ماجرای ازدواج با من را مطرح کرد، اما من حاضر نبودم از خانواده ام جدا شوم به آلمان بروم و اولین شرطی که پیش روی حسین گذاشتم زندگی در تهران بود.

حسین وقتی این شرط را شنید بدون هیچ مخالفتی پذیرفت تا برای زندگی در کنار من به ایران می آید و پس از این ماجرا حسین همراه خانواده اش به خواستگاری ام آمد و جواب مثبت دادم سپس قول و قرارهای ازدواج گذاشته شد.

روزهای بعد از مراسم خواستگاری برای من و حسین پر شور و زیبا بود و وقتی دیدم حسین بخاطر من قصد دارد که از آلمان به ایران بیاید علاقه ام به او هر روز بیشتر شد و پس از چند روز مراسم عقد را برگزار کردیم.

وسوسه بازگشت آلمان

حسین حاضر بود به خاطر من در ایران زندگی کند اما همه فکر و ذهنش در کشور آلمان بود و هر روز مرا با صحبت ها و زندگی رویایی در آلمان سرگرم می کرد تا راضی به زندگی در آلمان شوم اما من به هیچ وجه نمی توانستم از خانواده ام جدا شوم چون به آنها وابسته بودم و از همان روز اول نیز شرط ازدواجم را مطرح کرده بودم.

روزها گذشت و این در حالی بود که حسین خیلی تلاش کرد تا مرا متقاعد کند تا به آلمان بروم اما بی فایده بود تا حتی چند بار برای انجام کارهایش به آلمان رفت و بازگشت که در این مدت فکر می کردم حسین به خاطر بازگشتن به ایران به آلمان می رود و پس از بازگشتن به ایران مراسم جشن عروسی را برگزار می کنیم به رفتارش اعتراضی نکردم.

همسرم چمدان به دست از خانه خارج شد و پس از گذشت ۲ هفته منتظر بودم تا حسین به ایران بازگردد اما ادعا می کرد که کارهایش هنوز تمام نشده و باید چند روز دیگر در آلمان بماند.

حسین هر روز برای بازنگشتن به ایران بهانه می آورد و این در حالی بود که بخاطر این مسئله با هم بحث می کردیم تا اینکه دیگر خسته شدم و آخرین بار با حسین با لحن عصبانی صحبت کردم و گوشی را قطع کردم.

فکر می کردم شوهرم بعد از چند روز تماس می گیرد تا آشتی کنیم اما اشتباه فکر کرده بودم گویا حسین منتظر چنین رفتاری بود تا به این زندگی پایان دهد، چون حاضر نبود به ایران بازگردد.

روزها گذشت و هرچه منتظر ماندم بی فایده بود دیگر خبری از حسین نشد تا اینکه تصمیم گرفتم با درخواست طلاق از این چشم انتظاری رهایی پیدا کنم.

گفت‌وگو با نوعروس

■ **چطور با حسین آشنا شدی؟**

روزی که حسین از آلمان به ایران بازگشته بود من به فرودگاه رفته بودم تا یکی از بستگانم که از سفر باز می گشت را به خانه ببرم که خیلی اتفاقی حسین در صندلی کناری من نشست و از آنجا دوستی ما شکل گرفت.

■ **چرا حاضر به زندگی در آلمان نبودی؟**

تنها فرزند خانواده هستم و شرایط زندگی خوبی دارم و به خانواده ام وابسته هستم و پدر و مادر کسی جز من را در زندگی ندارند چون بیشتر خانواده پدری ام در خارج از کشور زندگی می کنند و نمی خواستم با مهاجرت آنها را تنها بگذارم.

■ **چرا همراه خانواده ات به خارج از کشور نرفتید؟**

در ایران زندگی خوبی داریم و پدرم یک شرکت بزرگ دارد و مادرم نیز استاد دانشگاه است و هیچ وقت به فکر مهاجرت نبودیم.

■ **فکر می کردی حسین شرط زندگی در ایران را می پذیرد؟**

اجباری نبود و روزی که به خواستگاری ام آمد شرایطم را برای او توضیح دادم، می توانست همان روز اول شرطم را قبول نکند و این همه مشکل برای من درست نکند.

■ **به نظرت چرا حسین شرط شما را پذیرفت؟**

حسین به من علاقه مند شده بود و فکر می کرد چون او را دوست دارم بعد از عقد با حرفهایش مرا وسوسه می کند و بخاطرش با او همراه می شوم اما نه من بچه بودم نه حسین . اشتباه از سوی من بود نباید باور می کردم کسی که سالها در خارج از کشور زندگی کرده می تواند به ایران بازگردد.

■ **همسرت از ماجرای جدایی خبر دارد؟**

به وکیلش گفتم ولی هیچ تماسی از سوی حسین گرفته نشد و حتی امروز نیز وکیلش به دادگاه نیامده است.

منیژه در حال صحبت بود که دفتردار قاضی دادگاه خانواده او را صدا کرد تا وارد اتاق شود، نوعروس قدم هایش را آهسته بر می داشت و داخل اتاق شد.

منیژه پس از نیم ساعت در حالی که اشک می ریخت از اتاق قاضی خارج شد و باید منتظر می ماند تا از نیامدن شوهرش اطمینان پیدا می کرد. بنابه این گزارش، قاضی دادگاه خانواده دستور احضار حسین یا وکیلش را داد تا بتواند تصمیم گیری کند.

گزارش

متهم حادثه اسیدپاشی:

اسید پاشیدم چون سلاحی برای دفاع از خود نیافتم

گروه حوادث: پسر جوان و دایی اش وقتی در برابر ۲ جوان قوی هیکل که از سوی دختر آشنااجیر شده بودند قرار گرفتند اقدام به اسیدپاشی روی آنها کرد.

عصر ۲۱ تیرماه سال ۹۶ ماجرای اسیدپاشی در خیابان استاد معین به ماموران کلانتری ۱۱۸ ستارخان مخابره شد و دو پسرعمو که از ناحیه سر و صورت دچار سوختگی شده بودند به بیمارستان منتقل شدند.

تحقیقات ابتدایی نشان از آن داشت عامل اسیدپاشی دو پسرجوان بودند که با یک پراید از محل پا به فرار گذاشته اند.

دو پسرعمو که یکی از آنها از ناحیه چشم نیز آسیب دیده بود پس از بهبودی از عاملان اسیدپاشی که دایی و خواهرزاده بودند شکایت کردند.

بدین ترتیب پیام و هومن بازداشت شدند، آنها به درگیری و پاشیدن اسید اعتراف کردند.

در دادگاه

دیروز در حالی در شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی متین راسخ و با حضور یک قاضی مستشار پای میز محاکمه ایستادند که دو شاکی پرونده از آنها اعلام گذشت کردند.

در ابتدای این جلسه پیام ۲۰ ساله که با قرار وثیقه آزاد بود به دفاع پرداخت و گفت: من دانشجوی رشته تربیت بدنی بودم. چندماه قبل از این ماجرا با یکی از همکلاسی هایم به نام ناهید آشنا شدم. رابطه دوستانه ما با هم ادامه داشت اما پس از مدتی تصمیم گرفتم رابطه ام را با ناهید تمام کنم. من از او خواستم تا دیگر با من تماس نگیرد.

وی در تشریح جزییات اسیدپاشی گفت: من و خواهرزاده ام هر دو در فرودگاه کار می کنیم. آن روز قبل از اینکه به سر کار برویم چون خواهرم اسباب کشی داشت به خانه او در حوالی دهکده المپیک رفتم و در کارها به او کمک کردم. من برای نظافت خانه خواهرم ۳ گالن اسید خریدم و داخل ماشین گذاشتم. سپس دنبال هومن رفتم تا با هم به فرودگاه برویم. اما در میان راه ناهید با من تماس گرفت و از من خواست تا برای آخرین بار با او ملاقات کنم.

وی ادامه داد: من و خواهرزاده ام سر خیابان استاد معین منتظر ناهید شدیم. او چندبار تماس گرفت و گفت تا دقایقی دیگر خودش را می رساند.

این متهم گفت: من برای خرید آب معدنی از ماشین پیاده شده بودم که متوجه شدم یک نفر با موبایلم تماس گرفته و چون هومن موبایلم را پاسخ داده در حال فحاشی به اواست. مرد ناشناس می گفت چرا مزاحم دخترخاله اش ناهید شده ایم. من که از این ماجرا شوکه شده بودم خودم را به برادرزاده ام رساندم اما همان موقع ۲ پسر قوی هیکل را دیدم که به سمت ماشین می آمدند. یکی از آنها چاقو و دیگری گاز اشک آور در دست داشت.

این مرد ادامه داد: من برای دفاع از خودم و خواهرزاده ام لوله پولیکایی را که در ماشین داشتم برداشتم ولی چون خواهرزاده ام چیزی برای دفاع نداشت یکی از گالن های اسید را باز کرد و به سمت آنها پاشید. ما واقعا در این ماجرا مقصر نبودیم و ۲ پسرجوان و پسرعموی دیگرشان که بعدا به آنها پیوست قصد دعوا با ما را داشتند.

سپس هومن ۱۹ ساله به دفاع پرداخت و حرف های دایی اش را تایید کرد. وی گفت: من از قبل از رابطه دایی ام با ناهید مطلع بودم. به همین خاطر حاضر شدم تا در خیابان معطل شوم و دایی ام و دختر جوان برای آخرین بار با هم ملاقات کنند. ولی ما نمی دانستیم در تله ناهید گرفتار می شویم و او سه پسرجوان را برای دعوا با ما اجیر کرده است.

وی ادامه داد: وقتی پسران جوان به ما حمله کردند من ترسیده بودم. داخل ماشین را گشتم تا چیزی برای دفاع از خودم پیدا کنم. ولی چون چیزی به دست نیاوردم و برای ترساندن پسران جوان یکی از گالن ها را باز کردم و به طرفشان پاشیدم. اما همان موقع خودم هم ترسیدم و پشیمان شدم. به همین خاطر ظرف اسید را به عقب کشیدم که مقداری از آن روی دستانم ریخت و موجب سوختگی دست هایم شد.



وی به عنوان آخرین دفاع گفت: من واقعا قصد آسیب زدن به کسی را نداشتم و حالا خیلی پشیمانم. شاکی های خصوصی هم به همین خاطر اعلام گذشت کردند. من حالا از قضات دادگاه تقاضای تخفیف در مجازات را دارم.

بنابه این گزارش؛ در پایان این جلسه هیات قضایی وارد شور شد تا رای صادر کند.

روی موج کوتاه

بازداشت شرور خطرناک باشلیک پلیس

شروری که اقدام به عربده کشی و بستن خیابان در یکی از محلات جنوبی تهران کرده بود، با شلیک پلیس زمین گیر شد. چند شب پیش تعدادی از ساکنان شهرک بخارایی در محله خانی آباد در تماس با پلیس اعلام کردند که فردی با عربده کشی اقدام به بستن خیابان و مزاحمت برای ساکنان محله کرده است که در پی آن تیمی از مأموران کلانتری به خیابان نیلوفر اعزام شدند. پس از حضور مأموران در محل مشاهده شد پسر جوانی در حالی که قمه و یک میله یک و نیم متری در دست دارد، جلوی خودروی پراید و ون را بسته و در حال عربده کشی و فحاشی است.

پسر جوان در زمان مشاهده پلیس ابتدا قصد درگیری با آنان را داشت اما در ادامه به سمت پارکی که در آن محدوده قرار داشت فرار کرد که در همین حین، تعقیب و گریز میان این فرد و مأموران آغاز شد. در جریان تعقیب و گریز، مأموران چندین بار دستور ایست صادر کردند اما متهم که حالت عادی نداشت بدون توجه به دستور پلیس قصد فرار داشت تا اینکه مأموران با رعایت قانون بکارگیری سلاح، ابتدا چندین تیر هوایی شلیک کرده و سپس مجبور به شلیک تیر به پای این فرد شدند.

با شلیک تیر به پای متهم، مأموران اقدام به دستگیری وی کرده و این پسر که ۲۶ سال سن دارد به بیمارستان منتقل شد تا پس از بهبود به جرائمش رسیدگی شود. سرهنگ دوستعلی جلیلیان، سرکلانتر دهم پلیس پیشگیری تهران فت: در تحقیقات محلی مأموران مشخص شد که این متهم پیش از این نیز سابقه شرارت و درگیری داشته و در روز وقوع جرم نیز ابتدا با پسر جوانی در پارک دعوا کرده و سپس در شرایطی که حالت عادی نداشته به خیابان آمده و عربده کشی کرده است. به گفته وی، متهم پس از تشکیل پرونده برای ادامه روند رسیدگی به جرم روانه دادسرا خواهد شد.

معمای نوزادرهاشده زیر پل ستارخان

نوزاده رهاشده در زیر پل ستارخان تهران به شیرخوارگاه آمنه منتقل شد. ظهر یکشنبه ۱۰ تیرماه امسال مردم با مشاهده یک نوزاد رهاشده در زیرپل ستارخان، با پلیس تماس گرفتند و پلیس را در جریان قرار دادند. دقایقی بعد از اعلام این خبر، تیمی از مأموران کلانتری ۱۱۸ ستارخان در محل پیدا شدن نوزاد رها شده حاضر شده و ماجرای پیدا شدن نوزاد رهاشده را به بازپرس کشیک قتل پایتخت نیز اعلام شد. بنا به این گزارش، بازپرس محسن مدیروستا از شعبه ششم دادسرای امور جنایی تهران دستور داد تا نوزاد چندروزه به شیرخوارگاه آمنه منتقل شود و تحقیقات درباره این پرونده ادامه دارد.

اسیدپاشی به همسر در بوشهر

مرد جوان که به خاطر اختلاف خانوادگی دست به جنایتی هولناک زده بود دستگیر شد. این مرد ۳۴ ساله در اقدامی عجیب به خاطر اختلاف خانوادگی، روی صورت همسرش اسیدپاشی کرد.

زن جوان که به شدت مورد سوختگی از ناحیه صورت شده بود به کمک تیم های امدادی به بیمارستان امیرالمومنین شهرستان بوشهر منتقل شد و تحت درمان قرار گرفت.

مرد عصبانی نیز پس از اسیدپاشی و انتقال همسرش به بیمارستان پای در اداره پلیس گذاشت و خود را تسلیم ماموران کرد.

بنا به این گزارش، متهم برای سیر مراحل قانونی و تحقیقات بیشتر در اختیار مقام قضایی قرار گرفته است.

راز جسد ناشناس در کانال آبیاری کشاورزی در دزفول

جسد مردی ۳۰ ساله ناشناس در کانال آبیاری کشاورزی شاه ولی دزفول پیدا شد.

باقر مهرنما معاون عملیات آتش نشانی دزفول گفت: ساعت ۹:۲۸ دقیقه صبح دوشنبه ماموران سازمان آتش نشانی دزقول در جریان پیدا شدن جنازه مرد ۳۰ ساله‌ای در کانال شاه ولی دزفول گزارش شد که ماموران آتش نشانی به محل حادثه اعزام شدند.

وی افزود: جسد مرد ناشناس با کمک آتش نشانان و یک نفر از اهالی از آب خارج شد و توسط سازمان باغ بهشت به سردخانه منتقل شد.

بررسی ها برای علت مرگ این مرد از سوی تیم پزشکی قانونی آغاز شده است و در صورتیکه این مرد نیز در کانال آبیاری کشاورزی غرق شده باشد این ششمین مورد غرق شدگی در رودخانه دز و کانالهای آبیاری کشاورزی دزفول در امسال است.